
کتابخانه مجازی
افغانستان
آیین سوگواری در
هزارستان


بسم الله الرحمن الرحيم

آیین های سوگواری در هزارستان

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آیین های سوگواری در هزارستان

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان ،۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور:آیین های سوگواری در هزارستان/ دکتر حفیظ الله شریعتی.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: فرهنگ عزاداری

آیین های سوگواری در هزارستان

از آن جا که مردم هزاره مردمی مهربان و غمخوار هستند، به محض از دست دادن عزیزی از اقوام، برای دلداری و تسلی خاطر بازماندگان به خانه آن ها می روند و با تمام وجود به همدردی و عزاداری می پردازند. طبق سنت قدیمی هزارستان، اقوام درگذشته در پرداخت هزینه های مراسم فاتحه گیری از اول تا سوم، هفتم و چهلم به بازماندگان متوفی کمک مالی می کنند و تا جایی که در توان دارند به بازماندگانی درگذشته یاری می رسانند.

برای کسی که در آیین های پُرسوز وگداز خاکسپاری درگذشتگان شرکت کرده باشد و شیون ها و برسرزدن های بازماندگان آنان را دیده باشد، می دانند که ناله های غم انگیزصدای(ای خدا! یا فاطمه ی زهرا! ای وای، ای ده کجا شووم) خبر از درگذشت شخصی سرشناس یا بزرگ یک طایفه را می دهد. این گریه های غم انگیز تنها بیان کننده ی اوج اندوه نیست، بلکه با این ناله ها همه خواهند فهمید که بزرگی از میان قریه و یا طایفه در گذشته است. در چنین حالتی همه با شنیدن صدای گریه دست از کار می کشند و به محل سوگواری میشتابند.مردم از طوایف و تیره های دور و نزدیک به منظور همدردی با خانواده ی عزادار به مراسم فاتحه خوانی می آیند. در این مراسم بیشتر ریش سفیدان و مردان و زنان میان سال حضور دارند. دوستان نزدیک درگذشته با حمل کردن بار مواد غذایی همچون برنج، گوسفند، روغن، قند و حتی در مواردی هیزم به کمک خویشاوندان درگذشته شان می آیند. آنان تلاش می کنند تا باری از دوش صاحب عزا بردارند و هزینه ها تنها به خانواده ی متوفی تحمیل نشود. استقبال کنندگان، دعوت شدگان را به درون خانه و خیمه های که از قبل آماده شد است برای استراحت و صرف چای و نهار هدایت می کنند و پس از پذیرایی با خواندن دوباره ی فاتحه مجلس را ترک می کنند. در مراسم ختم زنان هزاره به شیوه ی دیگری عزاداری میکنند. صدای" وی وی وای وای "به صورت ریز وتند و سریع، نوایی غمانگیزی را در فضای خانه ی درگذشته طنین انداز می کند. این نوای حزنآلود بستگان درجه یک خانواده ی عزادار است که با حرکتهای موزون هردو دست که، به صورت مماس روی صورت فرود میآیند و یا بر سر زده می شوند؛ همراهی می شود.

اقوام درجه یک درگذشته، نزدیکی های ظهر از فاتحه خوانان جهت صرف نهار در خانه و خیمه که قبلا در یک یا دو ردیف برپا شده است، دعوت به عمل می آورند، غذای خیرات معمولا آبگوشت است که در کاسه های بزرگ و برای سه یا چهار نفرگذاشته می شود. در روز سوم پیش از غروب آفتاب مردان و زنان با جمع کردن گوشه ی پلاس خانه و پس از خواندن فاتحه، مراسم ختم را پایان می دهند. مراسم عزاداری در هزارستان افزون بر همدردی با بازماندگان درگذشته، کارکردهای اجتماعی خاصی دارد که از جمله آن می توان همبستگی اجتماعی در قالب نمادهای سنتی، ابراز همدردی در شکل تاثرات جمعی،برابری، تعاون، اتحاد، نظم، تعادل و توازن، همزیستگرایی و همدلی وصف درگذشته در قالب کلماتی مانند: خوبی ها و مدح فضائل وی در قالب

توصیف متوفی با الفاظی مانند(خدا او را رحمت کند، آدم بی غرض و خوبی بود) نام برد. از منظر روانشناسی اجتماعی این مراسم ها در یک معنای وسیع تر نوع دوستی و انسان دوستی را می رسانند و در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی اثر گذار است. تأثیر اقتصادی برنامه ی کمک کردن به خانواده ی درگذشته یکی از مهمترین دستاوردهای این حرکت انسانی است که کمک های مردمی در فعالیتی به کار گرفته می شود که هم دستاورد معنوی دارد و هم مشکلی را از خانواده ی متوفی برطرف می سازد.

وصیت و تعیین وصی

هزاره ها در هر سن و سالی می توانند وصیت کنند و برای خود وصی تعیین کنند. وصیت برای هر کس در هر سن و سالی لازم است. زیرا پس از در گذشت کسی بر اساس وصیت او عمل می شود. اما جانشین و وصی متوفی بنابرعرف هزاره ها پسرکلان و در صورت نبود وی دختران کلان او است. پسر کلان به امور محوله ی پدر رسیدگی می کند و وصیت پدر را عملی می سازد. هزاره ها به میراث پدر کم توجه اند و کمتر روی میراث پدر دعوا می کنند. ممکن است سال های دور روی آن گفت گو کنند.

دم رفتن

وقتی علایم مرگ بر بیمار ظاهر می شود، نزدیکان وی دور و برش جمع می شوند و به آرامی گریه می کنند. همسر و فرزندان بیمار، دعا می کنند و صلوات می فرستند. بیمار را رو به قبله می خوابانند و هردم شهادتین را برایش تکرار می کنند و از بیمار می خواهند که شهادتین را زمزمه کند. در گلوی بیمار آب می ریزند. در اتاق اسپند و نیگره دود می کنند. اگر بیمار زود جان داد، او را بی گناه می خوانند و اگر دیر جان داد می گویند که بیمار گناه داشته است و خداوند با عذاب دم مرگ خواسته است که بی گناه از دنیا برود. همین طور اگر جان دادن بیمار طول بکشد، او را در جایی که نماز می خوانده و قرآن تلاوت می کرده است؛ می برند. وقتی بیمار جان به جان آفرین تسلیم کرد، بچه های وی شیون می کنند. نزدیکان بیمار اتاق را ترک می کنند تا فرزندان متوفی با درگذشته تنها باشند. آنان مواظب اند که همسر و فرزندان درگذشته به خودشان آسیب نزنند. در این صورت آنان را از درگذشته دور نگه می دارند.

مراسم فوت

پس از شنیدن خبر فوتی، اهالی محل به سرعت در خانه ی شخص فوت شده حاضر می شوند، اگر فرد در گذشته بی بضاعت باشد به طور محرمانه، مبلغی را در حدود تدارکات روز اول مراسم جمع آوری می کنند و مایحتاج مجلس سوگ را تهیه می نمایند. سپس مراسم خاک سپاری انجام می گیرد. نزدیکان متوفی اغلب به وسیله ی گفتن اذان و لا اله الا الله، همسایگان را جهت تشییع جنازه دعوت می کنند. قبل از دفن میت، او را رو به قبله می خوابانند و به آرامی چشم هایش را می بندند، دست هایش را به پهلو می خوابانند و دو شصت انگشت پایش را به وسیله ی تکه ای پارچه به هم می بندند. بهتر این است هرچه سریع تر قرآن خوانان شروع به تلاوت قرآن کنند و در میان آن از بقیه بخواهند صلوات بفرستند و برای میت فاتحه بخوانند. دوستان خانوادگی و اقوام متوفی روی جنازه ی وی چادر(شال) می اندازند. این سنت را(گزداری) می گویند. شال های که روی جنازه ی درگذشته جمع می شوند، توسط بازماندگان او به سادات یا مسجد داده می شوند.

شستن درگذشته

اگر متوفی به طور کتبی یا شفاهی وصیت کرده باشد که شخص معین او را بشوید، در این صورت طبق وصیت عمل می شود. اما اگر چنین وصیتی نشده باشد، درگذشته را نزدیکان وی می شویند. برای این کار جسد درگذشته را روی سنگ تن شور می گذارند. لباس او را به آرامی در می آورند و در این هنگام سوره ی یاسین و دعای عدلیه خوانده می شود. بعد که درگذشته برهنه شد او را سه بار باید بشویند: دفعه اول با سدر، دفعه دوم با کافور و دفعه سوم با آب خالص، در مرتبه سوم غسل میت از طرف فرزندان درگذشته صورت می گیرد. بعد از غسل دو چوب از درخت بید تازه به طول تقریبی ۲۰ سانتی متر زیر بغل درگذشته می گذارند و معتقدند که عصای روز قیامت او خواهد شد. بعد با آب تربت اما حسین(ع) صورت درگذشته را شست و شو می دهند و برای او اشهد می خوانند. در پایان بر هفت محل سجده گاه وی بر مبنای سنت دینی کافور می مالند و با احترام وی را کفن می پوشانند. کفن وی بیشتر از سان سپید است. جنازه برروی یک نردبان یا تابوت روباز تشییع می شود و حاضران لا اله الا الله گویان وی را به سوی قبرستان می برند.

حمل جنازه

وقتی همه دوستان و بستگان در منزل متوفی جمع شدند و تابوت نیز آورده شد، مفرشی می گسترند و یک نفر زیر سر مرده و یک نفر دو پای او را و دو نفر دیگر زیر کمرش را می گیرند و او را از جا بلند کرده روی مفرش می گذارند و پاچه ای سفیدی رویش می کشند. زمانی که می خواهند در گذشته را به سوی گورستان حمل کنند، چهار نفرگوشه جنازه را می گیرند ولی سه بار آن را بر زمین باید بگذارند؛ یک بار در آستانه در اطاقی که متوفی در آن درگذشته، یک بار در کف حیاط منزل و بار سوم در دالان و کنار در خروجی خانه و این در حقیقت خداحافظی در گذشته است از خانه ای که درآن می زیسته و در آن در گذشته است. زمانی که جسد متوفی از خانه خارج می شود باید نخست سر او را از خانه بیرون کنند. معمولاً تابوت را کمتر وارد خانه می کنند و ورود آن را به خانه خوش یمن نمی دانند و آن را دم در خانه می گذارند. وقتی درگذشته را داخل تابوت گذاشتند، تابوت را تشییع کنندگان بر روی دوش حمل می کنند. نزدیکان متوفی پشت سر تابوت و در جلو جمعیت و تشییع کنندگان حرکت می کنند. روحانی محل یا یکی از بزرگان مرتباً با صدای بلند می گوید (لا اله الا الله) و متوفی را فوق العاده سریع حرکت می دهند. در این وقت هر کس با تابوت روبه رو شود موظف است و باید اگر هفت قدم هم باشد، درگذشته را همراهی کند. هزاره ها باور دارند که هر کس پایه تابوت را روی شانه خود بگذارد، اجری بزرگ برای خود ذخیره می کند. به این سبب موقع حمل تابوت، مردم برای روی دوش گرفتن آن از یکدیگر سبقت می گیرند.

دفن در گذشته پیش از غروب خورشید

متوفی را تا حد امکان شب دفن نمی کنند و می گویند: نور ستاره نباید داخل قبر بتابد، باران نباید داخل قبر بریزد. مراسم تدفین باید در روز روشن و پیش از غروب خورشید انجام گیرد. در صورتی که کسی پس از غروب خورشید درگذرد یا گردآمدن آشنایان و تهیه ی لوازم مورد نیاز تا هنگام غروب به طول انجامد، مراسم تدفین به روز بعد واگذارده می شود و از دفن شبانه پرهیز می کنند. به گمان هزاره ها تابش نور خورشید بر جنازه ی متوفی نیکوست. مردم هزاره شب را جولان شیطان و ارواح ناجنس می دانند. در شب دیوان و ارواح بدجنس و سرگردان می توانند بر روان درگذشته مسلط شوند و وی را آزار برسانند.

آماده کردن قبر

پس از درگذشت متوفی برخی از نزدیکان وی بیل و کلنگ بر می دارند و برای آماده کردن قبر به قبرستان می روند. آنان به نوبت در کنار یکی از نزدیکان درگذشته ی متوفی، زمین را حفر می کنند. وقتی بلنه گور(طبقه ی اول) آماده شد، شروع به کندن تینه گور(طبقه ی دوم) می کنند. هنگامی قبر آماده شد،درگذشته را با پهلوی راست، رو به قبله می خوابانند. رو به روی صورت متوفی مهرکربلا می گذارند. با پایان یافتن مراحل ابتدایی دفن، روحانی وارد قبر می شود و شروع به تلقین متوفی می کند. پس از تلقین، حاضران با بیل مقداری خاک در قبر می ریزند و بیل را وارونه به زمین می اندازند تا نفر بعدی خاک بریزد. وقتی قبر پوشانده شد، روی آن سه سنگ به ردیف برای مرد می گذارند و برای دو سنگ برای زن. بعد تشییع کنندگان دور قبر جمع می شوند و با گذاشتن دست روی قبر فاتحه می خوانند و برای درگذشته طلب آمرزش می کنند. نزدیکان متوفی مقدار آب روی قبر می ریزند و از مردم می خواهند که متوفی را ببخشند. وقتی مردم با صدای بلند درگذشته را بخشیدند، پسرکلان متوفی از مردم می خواهد که اگر حساب و کتابی با پدرش دارند با او بگویند تا پرداخت شود. پس از آن، همه ی آن هایی که جنازه را تشییع کرده اند به خانه ی صاحبان عزا باز می گردند.

شب پس از درگذشت

شبی پس از دفن متوفی پارچه ای سفیدی را درگوشه ی اطاقی که درگذشته شب پیش در آن بوده، می گسترانند. چراغی نیز روشن می کنند و درست به جای شخصی متوفی می گذارند. ظرف آبی را در کنار چراغ قرار می دهند. پسر کلان متوفی به قبرستان می رود و روی قبر درگذشته آتش روشن می کند. در برخی مناطق فانوس روشن می کنند تا شب اول درگذشته تنها و بی چراغ نباشد.

مراسم ختم و یادبود

خانواده ی فرد درگذشته با دعوت ریش سفیدان و خویشان در خانه ی درگذشته، مجلس مقدماتی ترحیم را برگزار می کند. در این جلسه در ارتباط با نحوه برگزاری رسم عزاداری تصمیم گیری می شود؛ قربانی براساس تعداد مهمانان انجام می گردد. آرد مورد نیاز برای تهیه نان از خانه ها جمع آوری می گردد و به خانه صاحب عزا فرستاده می شود. در روز ختم گیری فاتحه خوانان هرکدام مبلغی را به عنوان «کمکی» به ریش سفیدان مجلس تقدیم می کنند که پس از جمع آوری به صاحب عزا داده می شود. مراسم فاتحه خوانی نخست برای سه روز پس از فوت اعلان می شود. پس از آن در روزهای سوم و هفتم، چهلم و سال نیز مراسم ختم و فاتحه برگزار می گردد. در روزهای یادشده قرآن خوانی و فاتحه خوانی بر گذار می شود. خیرات و مبرات با کشتن گاو و گوسپند انجام می یابد. فاتحه خوانان برای صرف غذا دعوت می شوند. روحانی محل با ورود هر فاتحه خوان سوره ای از قرآن تلاوت می کند و در پایان با گفتن مع الصلوات آنان را به خواندن سوره ای فاتحه و سوره ای قول هوا له الله احد دعوت می کند. وقتی فاتحه خوانده شد، همه دست روی صورت و مماس بر صورت می کشند و می گویند: خداوند در گذشته را رحمت کند و با اولیای الهی محشور گرداند و به باز ماندگان صبر بدهد. صاحب عذا نیز می گوید: خداوند درگذشتگان شما را هم بیامرزد و غریق رحمت بی کران خود گرداند. در چنین مجالسی معمولاً کمتر سخن گفته می شود و همه به صدای قاری که قرآن می خواند گوش می دهند. وقتی فاتحه خوانده شد، مردم برای صرف غذا به اتاق دیگر خوانده می شود. پس از صرف غذا فاتحه خوانان یک بار دیگر فاتحه می خوانند و با گفتن خدا رحمت کند و شما را باقی غم ندهد، مجلس ختم را ترک می گویند. در پایان روز سوم نزدیکان درگذشته همراه با صاحب عزا سرمزار در گذشته می روند و فاتحه می خوانند. در پایان مراسم رفتن بر سر مزار درگذشته همه به خانه صاحب مصیبت می آیند و با خواندن فاتحه و جمع کردن گوشه ای پلاس و گلیم صاحب مصیبت، پایان فاتحه گیری

را اعلان می کننـد. اما پـذیرایی از فاتحه خوانانی که پس از اتمام مراسم خبردار می شونـد، تا روز چهلم و تمام سال ادامه دارد و به طور مرتب غذای میهمان در خانه آماده است.

قرآن خوانی

در روزهـای فـاتحه خوانی، قرآن خوان های محلی در خانه فرد درگذشـته جمع می شونـد، این افراد با خوانـدن یک جلـد کلام الله مجید کمتر یا بیشتر آن برای درگذشـته خواهان آموزش می شوند. از قرآن خوان ها با آبگوشت پذیرانی می شود. اینان بیشتر قرآن یک جزبه می خوانند.

مجلس زنانه

در کنـار مجلس مردانه مجلس زنانه هم برگـذار می شود. زنان در این مجلس دور می نشـینند و فاتحه می خواننـد. فاتحه خوان اگر روحانی زن را در مجلس دیـد با اشاره می گویـد که دعا کنـد. اگر نه با صدای آرام می گوید: یک فاتحه بخوانیم. با خوانده شدن فـاتحه، زنـان بـا آبگوشت پـذیرانی می شونـد. زنـان فـاتحه خوان بـا خود مقـداری نان و روغن برای کمک به صاحب مصـیبت می آورند.

ماترک

چنـد روز پس از فـوت متوفی، آخونـد محـل دعوت می شود که خمس، زکـات و وجوهـات درگذشـته را بور(جـدا) کنـد. آخوند نخست وصیت متوفی را می بیند و سپس تمام دارایی درگذشته را حساب و کتاب می کند و وجوهات وی را در می آورد و با خود می برد و یا می گوید که ادا شود.

نماز و روزه متوفی

طبق وصـیت درگذشـته هر مقـدار نماز و روزه ی که متوفی نخوانده است و نگرفته است، بازماندگان درجه یک او، بجا می آورند. آنـان نماز و روزه ی وی را می گیرنـد و می خواننـد و یا به روحانی محل و مردان و زنان مومن می سـپارند که بخواننـد و بگیرنـد. خانواده ی درگذشته از سرمایه ی باقی مانده از متوفی، هزینه های نماز و روزه وی را می پردازند.

روی شویی

وابسـتگان درجه یک متوفی مانند برادران دور از خانه، دختران، خواهران سـببی و نسبی پس از با خبر شدن فوت متوفی باید مراسـم ختم برگـذار کنـد. این مراسم کوتـاه و یـک روزه است. قرآن خوانی، فاتحه خوانی به صورت زنانه و مردانه در دو مکان جـداگانه برگذار می شود. از فاتحه خوانان با آبگوشت پذیرایی می شود. کمک و تعاون قومی و فامیلی کم تر از مراسم رسمی فاتحه خوانی است. شیوه یی برگذاری مراسم روی شویی مانند فاتحه گیری رسمی است.

سنگ قبر

هزاره ها سنگ قبر را روز هفتم، سی ام یا چهلم روی قبر جا می گذارند. در گذشته سنگ های قبر را از کوه های نزدیک و یا دور می آوردند. سنگ ها ساده و معمولی بودند. برخی از مردم برای بزرگ خاندان خود سنگ های بلند در حد یک متر و دو متر انتخاب می کردند. بلندی سنگ بر مزار کسی نشان از بزرگی و خانی وی داشت. این سنگ ها نه نوشته داشتند و نه روی آن ها علامتی که نشان از متوفی داشته باشد. این روزها سنگ قبر بازاری هم رواج یافته است.

مهمانی وابستگان متوفی

اقوام و فامیل متوفی پس از مراسم فاتحه خوانی برای ابراز همدردی، خانواده ی درگذشته را برای مهمانی دعوت می کنند. در این مجلس بیشتر دوستان و آشنایان باقی مانده ی درگذشته به مهمانی خوانده می شوند. زنان و مردان در دو مجلس جداگانه پذیرایی می شوند. این دعوتی شبیه روی شویی است. هدف آن همدردی با خانواده ی متوفی است تا احساس نکنند، فراموش شده اند یا تنها مانده اند. این مهمانی ها یادمانی یاد و خاطره ی متوفی است که برای بازماندگان و دوستان دور و نزدیک او فراموش نشده نی است.

مراسم چهلم

مراسم چهلم، چهل روز پس از مرگ متوفی برگذار می شود. این مجلس بیشتر خانوادگی است. مراسم چهلم افزون براین که به صورت ساده برای نزدیکان درگذشته برگزار می گردد، شبیه ختم است. در پایان روز چهلم فاتحه خوانان، نزدیکان متوفی و خانواده ی وی سر قبر متوفی می روند و در آن جا فاتحه خوانی و روضه خوانی می کنند. در پایان به خانه صاحب مصیبت بر می گردند. آنان توسط نزدیکان متوفی با چای پذیرانی می شوند و پس از دعا و طلب آمرزش و صبرخواهی به خانه های شان بر می گردند. از ویژگی های مراسم چهلم پختن حلوا است. مقداری از این حلوا را روی قبر می گذارند و اسپند، نیگره و کندر دود می کنند .در این مراسم به برخی از فاتحه خوان ها ناهار و شام داده می شود.

اولین عید در گذشته

بازدید از خانواده ی فرد درگذشته در اولین عید در بیشتر جاهای هزارستان رواج دارد. بدین گونه که پس از درگذشتن فرد درگذشته، دوستان و آشنایان از خانه و خانواده او دیدن می کنند. در این مراسم فاتحه نمی خوانند اما شادی هم نمی کنند.

سر سال

روزی که درست یک سال از مرگ متوفی گذشته باشد، افراد خانواده وی مقداری حلوا درست می کنند و به قبرستان می برند و در میان قاری ها و افراد مستمند قسمت می کنند. برخی از هزاره ها در این روز مراسم ختم می گیرند و قرآن خوانی برگذار می

کنند. قرآن خوان ها و فاتحه خوان ها با آبگوشت پذیرایی می شوند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

